

تبیین ارتباط ظهور امام زمان (عج) با انتخابات



شناسه خبر : ۱۳۶۷۴۰ جمعه ۴ اسفند ۱۴۰۳ - ۱۰:۰۳

امام زمان (عج) برای یک امر سیاسی می‌آیند، برای «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه؛ ۳۳) این یک امر سیاسی است، برای حکومت می‌آیند، برای این نیست که مردم نماز بخوانند اما به حکومت‌ها کاری نداشته باشند.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر، نشست «بررسی خاستگاه دینی انتخابات و رابطه آن با ظهور» از سوی مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان برگزار شد. این استاد حوزه و دانشگاه طی سخنانی به پرسش‌هایی در رابطه با زمینه‌های دینی انتخابات در کشور، مسئولیت عمومی در قبال انتخابات، ابعاد معنوی و رابطه ظهور با انتخابات پاسخ گفت.

متن نشست «بررسی خاستگاه دینی انتخابات و رابطه آن با ظهور» به این شرح است:

آیا انتخابات امر دینی است؟

پرسش: آیا انتخابات یک امر دینی محسوب می‌شود یا اینکه متجددین در جامعه اسلامی انتخابات را وارد کردند و بنا بر مصالحی مؤمنین هم به آن مبادرت کردند؟ آیا این موضوع در قانون اساسی ما بر اساس دین وارد شده یا مثلاً برای هم‌رنگی با جامعه جهانی؟

اگر انتخابات یک امر دینی نباشد ما باید به انتخابات در کشورهای دیگر نگاه کنیم، ببینیم که نتایج آن انتخابات به کجا رسیده؟ طبیعتاً نتیجه انتخابات در جامعه ما هم کم و بیش به همان نقطه خواهد رسید. انتخابات در کشورهای دیگر به حاکمیت کارتل‌ها و تراست‌ها، به حاکمیت لابی صهیونیسم و به حاکمیت طبقه سرمایه‌داران زالوصفت منجر شده و نتیجه‌اش این همه جنایت در جهان شده است. به حدی که علامه طباطبایی(ره) در تفسیر المیزان ذیل آیه دویست سوره آل‌عمران می‌فرماید که «دموکراسی از دیکتاتوری بدتر است.» (ترجمه تفسیر المیزان، ج 4، ص 194) یعنی جنایت‌هایی که دموکراسی در حق بشریت انجام داده از از روش دیکتاتورها بیشتر بوده است.

در دیکتاتوری آدم می‌فهمد با چه کسی طرف است، ولی در جریان دموکراسی لابی‌ها و دست‌های پشت پرده دخالت‌هایی می‌کنند که یقه هیچ‌کسی را نمی‌توان گرفت. قدرت‌ها می‌آیند مردم را بازی می‌دهند و به بهانه رأی مردم بر مردم مسلط می‌شوند. مردم در مغرب‌زمین هم خودشان متوجه این معنا شده‌اند.

بنابر این اگر انتخابات یک امر دینی نیست و یک امری است شبیه آنچه که در غرب پیش آمده پس هیچ‌کس آنچنان در انتخابات به روش غرب دیده نمی‌شود، که ما عقلاً یا از سر فوائد و ضرورت‌های اجتماعی به سمتش برویم؛ در انتخابات به روش غربی، نه مردم با انگیزه صحیحی در آن شرکت می‌کنند، نه در میان کسانی که کاندیدا شدند انگیزه صحیحی وجود دارد، آنها بیشتر عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی سرمایه‌داران هستند، نه احزاب با قصد و غرض سالمی انتخابات را اداره می‌کنند. بر این اساس ما اصلاً انتخابات به سبک غربی، بر اساس روش و مبانی غربی را قبول نداریم و نمی‌تواند برای جامعه ما مفید باشد و حتی ضرر هم دارد.

اما اگر انتخابات یک امر دینی باشد، طبیعتاً انگیزه شرکت‌کنندگان، انتخاب‌شوندگان، روش حضور در انتخابات، همه اینها باید همراه با آداب اسلامی باشد و طبیعتاً از مبانی خاص دینی هم برخوردار خواهد بود؛ اگرچه ما صورت‌بندی انتخابات را از غرب گرفته‌ایم. البته ممکن است در آینده هم این صورت‌بندی انتخابات بنابر برخی از تصریحات رهبری، تغییر پیدا کند. ولی انتخابات مبانی دینی بسیار قوی و محکمی دارد؛ وگرنه ما به آن تن نمی‌دادیم. ما میراث‌داران شیخ فضل‌الله نوری(ره) هستیم که برای مخالفت با انتخابات به سبک انگلیسی به دار شد. ما میراث‌داران شهیدان و عالمان

وارسته‌ای هستیم که یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند؛ به این دلیل که با داشتن مجلس شورای ملی با روش غربی آن مخالفت می‌کردند.

این انتخاباتی که در قانون اساسی ما می‌بینیم، این انتخاباتی که حضرت امام(ره) و رهبری، دو فقیه باهوش، عاقل و حکیم توصیه می‌کنند، این انتخابات یک امری است که مبانی دینی بسیار قوی و محکمی دارد.

آشنایی با مبانی دینی انتخابات

پرسش: از نظر شما مبانی دینی انتخابات چیست؟ از کدام مبانی دینی می‌توان استفاده کرد و به دست آورد که انتخابات از حاق دین به دست آمده است؟

می‌دانیم پیامبر اکرم(ص) از مردم خواست تا او را یاری و نصرت کنند. بدون کمک مردم نمی‌توانست کار را پیش ببرد. این نصرت‌خواهی از مردم فقط در آغاز بعثت هم نبود، در ادامه هم بدون کمک مردم، بلکه بالاتر، بدون مشارکت مردم امکان نداشت کار پیش برود. نه اینکه پیامبر فرمان دهد و دیگران اطاعت کنند، بلکه آنان مأمور بودند حتی به پیامبر مشورت دهند و در اداره امور مشارکت پیدا کنند. «نصرت» به همین معناست.

بر این اساس معنای نصرت صرف اطاعت نیست، بلکه در آن مشارکت و بصیرت هم هست. یعنی جایی که از طرف ولی خدا دستوری نیامده، خود او بفهمد که چه باید بکند. جایی که ولی خدا نظارتی ندارد، خود او بداند و انگیزه داشته باشد که چه باید بکند. فرمود: «لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلُهُ بِالْغَيْبِ» (حدید/25) یعنی مردم باید در جایی که پیغمبر هم حضور ندارد، بدانند چگونه نصرت دهند. این نصرت یک معنای بسیار گسترده و عمیق دارد. این نصرت واقعاً پای مردم نوشته می‌شود، گاهی از اوقات فرمود: «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تَوُتَّى وَلَا تَأْتِي» (کفایه الاثر، ص199) امام در خانه می‌نشیند، مردم باید تشخیص بدهند الآن موقع قیام است، الآن موقع حضور در محضر امام است، الآن موقع این است که ما نصرتمان را به امام عرضه بداریم، و البته در این میان فرامینی هم می‌رسد.

پس اصل نصرت که یک اصل جامعی است که فقط در آن اطاعت نیست، بصیرت و جمعیت و اقدام برای نصرت ولی خدا حتی «بالغیب» وجود دارد، اینها ابعاد معنای عمیق نصرت را نشان می‌دهند. این مفهوم نصرت را، آیه «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، 25) یعنی مردم خود باید برای قسط قیام کنند نشان می‌دهد. همچنین از مفهوم امر به معروف و نهی از منکر می‌توان ولایت عرضی بین مومنین را استفاده کرد، فرمود: «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه، 71) دلایل متعدد و فراوانی است که نشان می‌دهد انتخابات یعنی تشریک مساعی برای نصیحت للمسلمین، برای نصرت

مؤمنین و امام مؤمنین. تشریک مساعی برای امتحان بصیرت مردم، بر این اساس انتخابات در حساس‌ترین مفاهیم دینی قرار دارد.

البته آموزش‌های دینی ما به شدت با آن وضعیت مطلوب فاصله دارند. مردم الآن مفهوم امامت و ولایت را می‌شنوند، اولین مفهوم دیگری که به ذهنشان متبادر می‌شود مفهوم اطاعت است. درحالی که کنار امام اطاعت کافی نیست؛ چه بسا بصیرت مهم‌تر از اطاعت باشد. کنار امام نصرت هم با وسعت معنایی که ذکر کردیم بسیار مهم است. آموزش‌های دینی ما طوری است که انتظاری که خوارج از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) داشتند آن انتظار را در میان مردم ایجاد می‌کند! خوارج از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) انتظار داشتند مشکلات را با دیکتاتوری حل کند. می‌گفتند ما خلیفه‌ای مانند خلیفه دوم می‌خواهیم. الآن هم خیلی‌ها که ولایتمدار هستند یا حداقل مخالفتی با ولایت ندارند، همین انتظار را دارند. درحالی‌که آن «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ» (نهج البلاغه، خطبه 3) فقط در آغاز ماجرا نیست، در ادامه هم باز نیاز به مشارکت مردم بود. همان‌طور که وقتی مردم در زمانی مثل دوران غارات، آن همت لازم را نداشتند، کار حکومت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به غربت کشیده شد.

مسئولیتی که طبق روایات بر عهده مردم است

در طول این چهل سال، مبانی عمیق، حساس و فوق‌العاده مهم دینی امر انتخابات را توضیح ندادیم. و مردم، حتی بسیاری از مذهبی‌ها رابطه‌ای بین انتخابات و دینداری‌شان برقرار نمی‌کنند.

روایتی که شهید سید محمدباقر صدر نابغه فقه و معارف دینی از آن برای توضیح تشکلهای گسترده مردمی استفاده می‌کنند این است: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (جامع الاخبار، ص 119) وقتی که این روایت را بیاوریم می‌بینیم ما در اداره جامعه مسئولیت داریم، حتی اگر افرادی را که ما انتخاب کنیم، خوب عمل نکنند؛ مسئولیتی که بر دوش ما است، از ما سلب نمی‌شود. باید دوباره برویم افراد دیگری که بهترند را انتخاب کنیم. باید دوباره نظارت‌مان را بر آن افراد بیشتر کنیم. مطالبه‌گری‌مان را افزایش دهیم. جدا از اینکه بسیاری از امور اساساً نباید به دست دولتمردان و منتخبین انجام بگیرد، بلکه باید به دست خود مردم باشد. مثلاً ما یک کسی را برای وکالت خودمان انتخاب کنیم و او درست عمل نکند، ما با وکالت قهر می‌کنیم؟ نه، دوباره یک وکیل دیگر انتخاب می‌کنیم. اصلاً مسئولیت برداشته‌شدنی نیست! شهید صدر در مورد آزادی صریحاً این مطلب را در کتاب «الإسلام يقود الحياة» بیان می‌فرمایند.

آزادی در غرب یک حق است، اما در اسلام هم حق است هم تکلیف. شما مکلف هستید از آزادی خودتان صیانت کنید و یکی از راه‌های صیانت از آزادی، همین انتخابات است. افراد وابسته به غرب انتخاب بشوند، چه می‌شود؟ کشور استقلال

و آزادی خودش را از دست می‌دهد. مؤمنین تحت سیطره کفار درمی‌آیند. همین مسئله‌ای که در قرآن تصریح شده که سلطه کفار بر مؤمنین جایز نیست (لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) (نساء/141)؛ مبنای برخی از مواد قانون اساسی هم قرار گرفته است. حتی در قانون اساسی تصریح شده برخی از بدهی‌های خارجی ممنوع است، چون موجب سلطه کفار می‌شود.

ابعاد معنوی انتخابات

پرسش: اگر انتخابات یک امر دینی است، طبیعاً باید از جهت معنوی هم دارایی آثاری باشد؛ در این باره هم اگر نکته‌ای هست بفرمایید.

وقتی انسان به یک فقیر کمک کند چقدر پاداش دارد؟ حالا یک وقتی انسان یک حرکت سیاسی انجام دهد برای ریشه‌کن کردن فقر، چقدر برای او حسنه نوشته می‌شود؟ معلوم است که دستگاه محاسباتی خدا بادقت میزان تأثیر آن را محاسبه می‌کند.

اگر به یک مؤمن که مشکلی دارد بی‌اعتنایی کنید، خدا چگونه مجازات می‌کند؟ حالا جامعه اسلامی در امر انتخابات مورد توجه قرار نگیرد و بعد لطمه بخورد، حتی به اندازه یک رأی که انسان کم بگذارد، چقدر مجازات دارد؟ اینها حرف‌های بسیار واضحی است، اما با اندک تأملی به دست می‌آید.

متأسفانه این مبانی دینی و ابعاد معنوی انتخابات توضیح داده نشده است و خیلی از مردم اینها را نمی‌دانند. حتی در مسئله انتخاب فرد که من به چه کسی رأی بدهم؟ مگر دلبخواهی است؟ اگر اعلم از او باشد، اگر اتقی از او باشد، اگر توانمندتر از او باشد. آیا این رأی دادن بغیر اتقی و اعلم و توانمندتر، حرمت شرعی ندارد؟ آدم مسئول نیست؟ معاقب قرار نمی‌گیرد؟ من چون از فلانی خوشم می‌آید، پس به او رأی می‌دهم. در رأی‌گیری خوشاینها بکار می‌آید؟ مسلم است که نه.

رابطه ظهور با انتخابات

پرسش: اکنون که طبق فرمایشات شما انتخابات یک امر دینی و معنوی است، به نظر شما ارتباط انتخابات با ظهور چیست؟

انتخابات به عنوان «یک امر مقدمه‌ساز برای ظهور» بعضاً مورد تمسخر قرار می‌گیرد. می‌گویند امام زمان(عج) را با مسائل سیاسی جامعه گره نزنید! اصلاً امام زمان(ارواح‌ناله‌الفداء) برای یک امر سیاسی می‌آیند، برای «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه/33) و این یک امر سیاسی است، برای حکومت می‌آیند، برای نماز نمی‌آیند! به این صورت که نماز بخوانند؛ اما به حکومت‌ها کاری نداشته باشند.

حکومت آقا امام زمان(عج) که خلاف قرآن نیست. اگر خلاف قرآن نباشد، در حکومت حضرت ولی عصر هم مانند سیره نبوی، نصرت ولی خدا لازم است. آیا ما برای حکومت امام زمان(عج) آماده هستیم؟ معلوم است که نه، چون میزان مشارکت‌مان در همه شئون پایین است، یک نمونه‌اش انتخابات است.

ما باید تصور کنیم جامعه مهدی چگونه جامعه‌ای است؟ باید این را خوب بشناسیم و به آن توجه کنیم. آیا در جامعه حضرت مهدی «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (جامع الاخبار، ص 119) از بین می‌رود؟ نه. پس ایده‌آلش این است که حکومت حضرت با مشارکت مردم در امور جامعه اداره شود. ما هر موقع توانمندی مردم را در مشارکت، در موضوعی مثل انتخابات که یک نمونه برجسته است، برای اداره امور بالا ببریم، مسلماً به سوی ظهور حرکت کردیم نه خلاف آن. با اندک تأملی می‌شود اینها را فهمید؛ ولی باید برای آن تولید ادبیات بشود، تولید درس بشود.

تلاش برای دین‌زدایی از انتخابات توسط برخی جریان‌های فکری سیاسی

پرسش: به نظر شما جریان‌های در کشور که تلاش دارند وجه دینی انتخابات دیده و شنیده نشود با چه هدفی این کار را می‌کنند؟

حدود شاید سی سال است در این کشور نغمه‌های شومی سعی می‌کنند به بُعد دینی انتخابات توجه نشود. می‌گفتند: «چرا می‌گویید انتخابات تکلیف است؟ بگویید حق است» برای چه این حرف را می‌زدند؟ برای اینکه انتخابات را از انگیزه دینی خالی کنند.

از انگیزه دینی خالی کردی انتخابات را، اولاً این موجب کاهش مشارکت می‌شود، ثانیاً می‌توان مشارکت‌کنندگان را بازی داد. اما اگر پای دین وسط بود، دیگر شما نمی‌توانی هر کسی را انتخاب کنی. صهیونیست‌ها کمتر می‌توانند در یک انتخابات لابی و نفوذ کنند.

به همین دلیل است که یک جریان فکری وابسته‌ای دائماً بر طبل حق بودن انتخابات، نه تکلیفی بودن آن می‌کوبیدند. فکر

می کنند اگر تکلیف باشد ما انسان را تحقیر کردیم. نه! تکلیف علامت خطیر بودن موضوع است. علامت اهمیت موضوع است که مبادا انگیزه ها کاهش پیدا کند. ما می دانیم یک عده کثیری انتخابات را صرفاً می خواستند به عنوان یک حق تلقی کنند نه به عنوان یک امر تکلیفی.

حضرت زهرا(س) الگوی عمل اجتماعی انتخابات

پرسش: نظر شما وظیفه مردم و کاندیداها در مورد تبلیغات برای انتخابات چیست؟

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «إِنَّ الدِّينَ النَّصِيحَةُ» (روضة الواعظین، ج 2، ص 424) سه مرتبه تکرار کرد حقیقت دین در یک کلمه به نام «نصیحت» خلاصه می شود. نصیحت یعنی دلسوزی. نصیحت یعنی حساس بودن. حضرت زهرا(س) چهار روز در خانه این و آن را زدند، در حالی که یقین داشتند هیچ کدام از اینها جواب او را نخواهند داد، ولی تکلیفشان را عمل کردند.

ما امروزه اگر در خانه ها را بزنیم و دلسوزی کنیم و تکلیفمان را انجام بدهیم، حتماً پاسخ خواهیم گرفت. فضا مثل فضای مدینه زمان زهرا(س) اظهر(س) نیست. ولی اصلاً می رویم هیئت و می آییم، سینه زنی می کنیم، یکبار هم فکر نمی کنیم که یک مقدار در عمل اجتماعی شباهت با حضرت زهرا(س) پیدا کنیم!

در امر تبلیغات انتخابات، در امر کاندیدا شدن، اینقدر از انتخابات دین زدایی کردیم که هر کسی می رود خودش را کاندیدا می کند، در حالی که از نظر آداب اسلامی این صحیح نیست! ملعون است کسی خودش را برای قدرت کاندیدا کند (مَلْعُونٌ مَنْ تَرَأَسَ مَلْعُونٌ مَنْ هَمَّ بِهَا مَلْعُونٌ كُلُّ مَنْ حَدَّثَ بِهَا نَفْسَهُ) (کافی، ج 2، ص 298) مگر اینکه دیگران به او گفته باشند. به یک دلیلی به تکلیف رسیده باشد. مراجع بزرگ ما چقدر از مسئولیت مرجعیت فرار می کردند.

وقتی انتخابات از دین خالی شد، برای هر کسی انگیزه های باطل پیدا می شود، روش های رقابت سخت و سرد و غلط رواج پیدا می کند و موجب غربت بیشتر خود انتخابات و تضعیف نظام می شود. امر تبلیغات برای انتخابات، تبلیغ برای افراد، تا گرفته تبلیغ برای اصل شرکت در انتخابات یک امر دینی است. حالا اگر این کار را انجام ندهیم چه اتفاقی می افتد؟ حق را دچار خذلان کردیم. ما جزء خاذلین خواهیم بود. و خاذلین در کنار قاتلین همیشه مطرود و ملعون بوده اند. کسانی که امامشان را نصرت نمی کنند.

نصرت امام زمان(ارواحنا له الفداء) امروز به چیست؟ به قدرت بخشیدن به جامعه اسلامی. قدرت جامعه اسلامی در

چیست؟ قدرت این نظام در چیست؟ باید برویم از حضرت آیت الله العظمی سیستانی بپرسیم که وقتی تأکید می کنند بر حفظ رهبری چه عبارت هایی به کار می برند. نظام جمهوری اسلامی نباشد مستضعفین منطقه به کجا اقتدا و اتکا کنند؟ البته که به خدا اتکا دارند، ولی بالاخره ما برادران دینی قوی ای هستیم که با همکاری و هم افزایی با یکدیگر می توانیم در این عرصه اثر گذار باشیم.

کوتاهی نهادهای حوزوی و دینی در تبیین ابعاد سیاسی دین

پرسش: تا اینجا فرمودید که در جامعه ما انتخابات و اجزای آن یک امر دینی محسوب نمی شود و این باعث مضرات بزرگی برای جامعه شده است. به نظر شما وظیفه حوزه های علمیه و مبلغین و ائمه جماعات در این باره چیست؟ توصیه ای اگر در این موضوع به مبلغین دارید بفرمایید.

متأسفانه ما در حوزه های علمیه یک مقدار به مباحث نظری، بدون ذکر مصادیق، بدون آوردن این مسائل نظری به میدان عمل، گرفتار شده ایم. رهبری عزیز شاید حدود سه سال پیش بعد از محرم، با مجلس خبرگان رهبری دیداری داشتند و به آنها فرمودند امام (ره) مفاهیم دینی را آوردند وسط صحنه و عملیاتی کردند و ما باید امروز این کار را بکنیم. و بعد مفاهیم دینی ای که باید بیاید در جامعه و با آنها زندگی شود مثال زدند. اولین نمونه و مثال را هم مواسات ذکر کردند. اینها مسائلی است که ما باید خیلی به آن اهتمام بورزیم. متأسفانه خیلی ها در سیاست زدایی از مساجد ما، از تعلیمات دینی ما، کاملاً موفق بوده اند.

ما وقتی که می آییم برای اداره امور کشور فکر کنیم، به زندگی جمعی می رسیم. آن زندگی جمعی مواساتی که موجب شکل گیری تعاونی ها خواهد شد. چرا ما در تعلیمات دینی مان اینقدر مصداقی کار نکرده ایم که مردم بفهمند تعاون بر امور اجتماعی، همان تعاون بر برّ و تقوا است؟ تعاون بر برّ حتی مقدم بر تعاون بر تقواست.

چرا مساجد محل گفت و گوی مؤمنان نیست؟

خیلی عجیب است که مساجد محلّ تجمع هستند. اما محلّ گفتگو کردن مؤمنان با یکدیگر نیستند! محلّ تجمع و ارتباط نگرفتن مؤمنان با یکدیگر؟ مگر امکان دارد؟! امام صادق (ع) فرمود مانند چهارپایان نباشید که کنار هم می چرند ولی با هم ارتباط نمی گیرند. (إِنَّ بَعْدَ ائْتِلَافِ قُلُوبِ الْفَجَّارِ إِذَا التَّقَوُّا وَ إِنِّ أَظْهَرُوا التَّوَدُّدَ بِالسِّنَتِهِمْ كِبَعْدِ الْبَهَائِمِ مِنَ التَّعَاطُفِ وَ إِنِّ طَالَ اِعْتِلَافُهَا عَلَى مَذُودٍ وَاحِدٍ). (تحف العقول، ص 373) ما اگر در مسجد با هم ارتباط نگیریم، تبادل نظر نکنیم، مصداق این حدیث شریف خواهیم بود.

وقتی که ما مسجد را یک پایگاه گفتگو برای حلّ مسائل اجتماعی قرار دهیم، مسائل انتخابات هم در مساجد رونق می گیرند، و مشکل عدم مشارکت حل می شود. ولی ما با اینکه سالن هایی داریم به نام مسجد، مستحب مؤکد هم هست که روزی سه مرتبه به آنجا برویم؛ اما دنبال سالن برای اجتماعات و اعتراضات به حقّ مردم می گردیم. پس مسجد چه کاربردی دارد؟ این نوع نگاه حداقلی به مسجد، به خاطر این است که از دین سیاست زدایی شده است.

بعدها این ترس و نگرانی وجود دارد که همین آدم های غیر سیاسی یا غلط فهم از سیاست، یا دشمن سیاست ناب اسلامی، به بهانه اولیای خدا، به بهانه قرآن کریم بیایند و ریشه دین را بزنند. کما اینکه خوارج همین کار را کردند. به اسم دین، خلاف دین حرف می زدند. البته برداشتشان ناقص بود. مثل خیلی ها که امروز برداشتشان از دین و مسجد ناقص است و اجازه نمی دهند مساجد سیاسی شوند.

امر دینی بودن انتخابات یک امر بسیار بدیهی است. مهدوی بودن انتخابات بسیار بدیهی تر. ولی باید برای اینها تولید ادبیات بشود. تا به تولید ادبیات نرسیم نمی توانیم آن را جا بیندازیم. و اینها باید ریز ریز در گوش مردم، سینه به سینه در مساجد گفته شود. حتی اینکار گاهی اوقات کار مبلّغینی که کارهای عمومی انجام می دهند هم نیست. ممکن است اگر گفتگو درباره این موضوع عمومی باشد و چهره به چهره نباشد بازتاب منفی داشته باشد. نمی گویم مبلّغینی که کار عمومی انجام می دهند حرف سیاسی نزنند. ولی این همه عالم دینی در مساجد داریم که ارتباط چهره به چهره با مؤمنین دارند! این مسائل چرا نباید منتقل شده باشد؟ امام محترم جماعت واحدهای درسی خیلی زیادی از جمله همین مسائل را می تواند در مسجد به مأمومین خودش ارائه دهد.

«اصل مشارکت مردم» امر ناموسی دین است

اولیای خدا چقدر به مشارکت مردم در اداره امور اهمیت می دادند؟ به اندازه خون حضرت زهرا(س). اگر رسول خدا(ص) می خواست می توانست با یک باند و گروه، بچه های خودش را حفظ کند. ولی گذاشت مردم به این تشخیص برسند، مردم به نصرت بیایند، مردم بفهمند که چه باید کرد! و می دانست که مردم ممکن است نفهمند، نیایند جلو، دفاع نکنند، حمایت نکنند. با اینکه می دانست دست بر نداشت. انگار «اصل مشارکت مردم» امر ناموسی دین است!

در زندگی اولیای خدا ما زیاد می بینیم که مثلاً به پیامبر گفتند که شما اُذُن هستی؛ یعنی به حرف دیگران و مردم زیاد گوش می دهی، در زندگی امیرالمؤمنین(ع)، گفتند تو مدیریت نداری. در زندگی امام حسن مجتبی(ع) یا مُذَلّ المؤمنین گفتند. در زندگی امام حسین(ع) به ایشان می گفتند تندرو! ائمه هدی(ع) همگی، توسط افرادی که ماهیت سیاسی دین و نقش مردم و مشارکت آنان را درک نمی کردند مورد مذمت قرار می گرفتند.

چرا وقتی چهار نفر کنار خانه کعبه قرار می‌گذارند که حکومت دست اهلش نیفتد، رسول خدا(ص) چهل نفر را برای حفظ حکومت بعد از خودشان سازماندهی نکردند؟ اگر می‌خواستند می‌توانستند بیشتر از چهل نفر را سازماندهی کنند. چرا اینکار را نکردند؟ چون قائل به نقش عموم مردم بودند. وقتی وجه دینی نقش عموم مردم درک شود، هم انگیزه‌ساز است، هم سلامت انتخابات را تضمین می‌کند. ان شاء الله بتوانیم مردم خودمان را با این نقش آشنا کنیم.

انتهای پیام/

انتهای پیام/